

سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	۲۷	صفحات	۱-۱۷
------------	------	--------------	----	-------	------

بررسی صلاحیت‌ها، نقش و اثرات آن‌ها بر دسترسی به عدالت و چالش‌های دادگاه‌های صلح در نظام قضائی ایران

آقای دکتر امیررضا محمودی و سرکار خانم سحر علی پور نوشر

گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

کارشناسی ارشد گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

چکیده

دادگاه‌های صلح به‌عنوان نهادهایی قضائی با مأموریت رسیدگی به دعاوی کم‌اهمیت در نظام قضائی ایران، نقش حیاتی در کاهش بار کاری دادگاه‌های عمومی و افزایش دسترسی به عدالت ایفا می‌کنند. این نهادها از زمانی که تحت قانون جدید شورای حل اختلاف در سال ۱۴۰۲ به‌طور رسمی وارد سیستم قضائی شدند، تحولات اساسی را در زمینه صلاحیت‌ها و روش‌های دادرسی تجربه کرده‌اند. اهمیت و ضرورت این مقاله در تحلیل تحولات اخیر در ساختار و صلاحیت‌های دادگاه‌های صلح و بررسی نقش آن‌ها در بهبود فرآیند دادرسی، در راستای دسترسی عمومی به عدالت و کاهش تراکم پرونده‌ها در دادگاه‌های عمومی است. هدف اصلی این تحقیق بررسی دقیق صلاحیت‌ها، ویژگی‌ها و نقش دادگاه‌های صلح در روند دادرسی است. همچنین، این تحقیق به تحلیل تغییرات قانونی و اثرات آن‌ها بر عملکرد دادگاه‌های صلح پرداخته و تلاش می‌کند تا مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌ها را در سیستم قضائی ایران شناسایی کند. روش تحقیق این مقاله، تحلیل اسنادی و بررسی تطبیقی قوانین موجود است که با استفاده از منابع معتبر و آمارهای موجود، به تحلیل تحولات دادگاه‌های صلح و تاثیر آن‌ها بر ارتقای کارایی سیستم قضائی پرداخته می‌شود. مهم‌ترین یافته‌ها شامل گسترش صلاحیت‌های این دادگاه‌ها به حوزه‌هایی مانند جرایم غیرعمدی، دعاوی مالی و حقوقی، دعاوی خانوادگی و رسیدگی به جرایم تعزیری درجه هفت و هشت است که موجب افزایش سرعت رسیدگی و کاهش فشار از روی دادگاه‌های عمومی شده است. همچنین، این پژوهش نشان می‌دهد که با وجود تغییرات مثبت، همچنان نیاز به اصلاحات بیشتر در فرآیندهای اجرائی و ساختار این دادگاه‌ها وجود دارد.

واژگان کلیدی: دادگاه‌های صلح، صلاحیت‌های قضائی، دسترسی به عدالت، تحولات قضائی

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Examining the qualifications, their role and effects on access to justice and the challenges of the peace courts in Iran's judicial system.

Dr. Amirreza Mahmoudi and Sahar Alipour Publisher

Abstract

Peace courts, as judicial institutions with the mission of dealing with minor claims in Iran's judicial system, play a vital role in reducing the workload of public courts and increasing access to justice. These institutions have experienced fundamental developments in the field of competences and procedures since they were officially entered into the judicial system under the new law of the Dispute Resolution Council in ۱۴۰۲. The importance and necessity of this article is in analyzing the recent developments in the structure and competencies of the peace courts and examining their role in improving the judicial process, in line with public access to justice and reducing the density of cases in public courts. Also, this research analyzes the legal changes and their effects on the performance of the peace courts and tries to identify the most important challenges and opportunities in Iran's judicial system. The research method of this article is document analysis and comparative review of existing laws, which, using reliable sources and available statistics, analyzes the developments of peace courts and their impact on improving the efficiency of the judicial system. The most important findings include expanding the jurisdiction of these courts to areas such as non-intentional crimes, financial and legal claims, family claims, and the handling of seventh and eighth degree criminal offenses, which has increased the speed of proceedings and reduced the pressure on public courts. Also, this research shows that despite the positive changes, there is still a need for more reforms in the executive processes and structure of these courts.

Keywords: Courts of the Peace, Jurisdictions, access to justice, Judicial developments

متن مقاله

مسالمت‌آمیز و بی‌طرفانه به طرفین دعوا کمک می‌کند تا بدون نیاز به فرآیندهای پیچیده و طولانی قضائی، به نتایج عادلانه برسند. علاوه بر این، این دادگاه‌ها فرصت‌هایی را برای مشارکت مردم در حل و فصل اختلافات فراهم می‌آورند و می‌توانند اعتماد عمومی به سیستم قضائی را تقویت کنند. با این حال، دادگاه‌های صلح همچنان با چالش‌هایی مواجه هستند که ممکن است بر کارایی و اثربخشی آن‌ها تاثیر منفی بگذارد. صلاحیت‌های گسترده‌تر و افزایش تعداد پرونده‌ها در این دادگاه‌ها می‌تواند منجر به افزایش فشار بر قضات و کاهش کیفیت دادرسی‌ها شود. همچنین، گاهی اوقات مشکلاتی در تفسیر قوانین جدید و تداخل صلاحیت‌ها میان دادگاه‌های عمومی و دادگاه‌های صلح به وجود می‌آید که نیازمند اصلاحات و بهبود فرآیندهای اجرائی است.

در این مقاله، تلاش خواهیم کرد تا با بررسی تطبیقی صلاحیت‌ها و عملکرد دادگاه‌های صلح، تغییرات قانونی و اثرات آن‌ها، و همچنین چالش‌های پیش‌روی این دادگاه‌ها را تحلیل کنیم. به این منظور، ابتدا، تاریخچه و تحولات قضائی این نهاد را مورد بررسی قرار خواهیم داد سپس به تحلیل و بررسی صلاحیت‌های دادگاه‌های صلح و نقش آن‌ها در سیستم قضائی ایران خواهیم پرداخت. در نهایت، مقاله به چالش‌ها و فرصت‌های موجود در فرآیند دادرسی در دادگاه‌های صلح پرداخته و پیشنهاداتی برای بهبود عملکرد این نهاد ارائه خواهد داد.

تحلیل کارکرد، مزایا و چالش‌های دادگاه‌های صلح در نظام قضائی ایران با تأکید بر رویه دادرسی و صلاحیت‌های قانونی

در جوامع امروزی، به دلیل رشد روزافزون جمعیت و پیچیدگی‌های اجتماعی و اقتصادی، اختلافات و دعاوی قضائی به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. این وضعیت، فشار زیادی بر سیستم‌های قضائی وارد کرده و موجب کندی روند رسیدگی به پرونده‌ها در دادگاه‌های عمومی شده است. در این میان، دادگاه‌های صلح به عنوان نهادهایی قضائی با هدف تسهیل در حل و فصل دعاوی ساده و کم‌اهمیت و همچنین کاهش تراکم پرونده‌ها در دادگاه‌های عمومی ایجاد شده‌اند. این نهادها با رویکردی مبتنی بر صلح و سازش به دنبال کاهش تنش‌ها و رفع اختلافات به شیوه‌ای سریع و بی‌طرفانه هستند. در این راستا، دادگاه‌های صلح به‌ویژه با تمرکز بر عدالت ترمیمی، نقش کلیدی در بازسازی روابط اجتماعی و حفظ مصالح عمومی ایفا می‌کنند. تاریخچه دادگاه‌های صلح به دوران‌های گذشته باز می‌گردد، زمانی که این نهادها به عنوان واحدهای قضائی غیررسمی برای رسیدگی به دعاوی کم‌اهمیت و شخصی ایجاد شدند. در ایران، با گذشت زمان و تغییرات قانونی، نقش دادگاه‌های صلح به‌طور مداوم در حال تکامل بوده است. به‌ویژه پس از تصویب قانون شوراهای حل اختلاف در سال ۱۴۰۲، که بسیاری از صلاحیت‌های این شورا را به دادگاه‌های صلح منتقل کرد، دادگاه صلح به عنوان یک مرجع قضائی تخصصی و با صلاحیت‌های گوناگون در نظر گرفته شده است. این تحول موجب گسترش فعالیت‌های این نهادها در زمینه‌های مختلف از جمله دعاوی مالی، دعاوی خانواده، تصرف عدوانی، جرایم غیرعمدی و حل و فصل اختلافات کوچک شده است. دادگاه‌های صلح نه تنها در کاهش بار کاری دادگاه‌های عمومی نقش دارند، بلکه در افزایش دسترسی مردم به عدالت و تسریع در دادرسی‌ها نیز مؤثر واقع می‌شوند. این نهادها با تأکید بر روش‌های

مقبولیت اجتماعی برخوردارند (محمدی، ۱۳۹۹، ص ۶۷). (مشارکت جامعه محلی در روند رسیدگی از جمله ویژگی های بارز دادگاه های صلح است که با بهره گیری از میانجی گری و ترغیب به سازش، منجر به کاهش تعارضات و افزایش رضایت طرفین دعوا می شود) (حسینی، ۱۴۰۱، ص ۸۹).

از جمله مهم ترین مزایای دادگاه های صلح می توان به موارد زیر اشاره کرد:

سادگی رویه ها و عدم تشریفات زائد، که موجب تسریع در رسیدگی و کاهش هزینه ها می شود؛

مرحله پیش سازی که از ارجاع اولیه به شورای حل اختلاف آغاز شده و در صورت عدم حصول سازش، دادگاه صلح وارد رسیدگی ماهوی می شود؛

انعطاف در زمان رسیدگی، از جمله امکان تشکیل جلسه در خارج از ساعات اداری یا روزهای تعطیل؛

صلاحیت محدود و تمرکز بر دعوی خرد که از پیچیدگی موضوعات کاسته و رسیدگی مؤثرتری را ممکن می سازد؛

تأکید بر توافق داوطلبانه و حل و فصل غیرقضایی اختلافات که از ارجاع مکرر دعوی به محاکم رسمی جلوگیری می کند.

این ویژگی ها در مجموع موجب کاهش زمان دادرسی، ارتقای کیفیت خدمات قضایی و افزایش رضایتمندی عمومی می شود (کریمی، ۱۳۹۷، همچنین، کاهش هزینه های دادرسی در این دادگاه ها، امکان (۳۴)، بهره مندی اقشار کم درآمد از خدمات قضایی را فراهم می آورد) (جعفری، استفاده از روش های مصالحه محور و اعتمادسازی اجتماعی. (۵۶، ۱۴۰۲، نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در کارآمدی این دادگاه ها به شمار می رود

دادگاه های صلح در نظام حقوقی ایران به منظور رسیدگی سریع تر کم هزینه تر و غیرتشریفاتی به برخی دعاوی و اختلافات با ماهیت ساده و محدود ایجاد شده اند. این دادگاه ها، در چارچوب قانون، صلاحیت رسیدگی به دعوی مالی تا سقف یک میلیارد ریال، برخی دعاوی خانوادگی از جمله نفقه و مهریه، امور حسبی، دعوی مربوط به ثبت احوال، تأمین دلیل، تخلیه و تعدیل اجاره بها، جرایم غیر عمد ناشی از تصادفات رانندگی و حوادث ناشی از کار و همچنین جرایم درجه هفت و هشت را دارا هستند (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ص ۱۳). (با وجود چنین تقسیم صلاحیتی، یکی از چالش های قابل توجه در عملکرد این دادگاه ها افزایش حجم پرونده ها در پی انتقال بخشی از صلاحیت های شوراهای حل اختلاف به دادگاه های صلح است. افزون بر آن، ابهاماتی در تفسیر و حدود صلاحیت قانونی این دادگاه ها، به ویژه در رسیدگی به دعوی خاص نظیر اعسار از هزینه دادرسی، مشاهده می شود که بر کارآمدی آنها اثرگذار است. در بسیاری از کشورها، دادگاه های صلح یا نهادهای مشابه آن، با هدف تسهیل در دسترسی مردم به عدالت، کاهش تراکم پرونده ها در محاکم رسمی و ارتقای مشارکت مردمی در فرآیند حل اختلاف، به عنوان ساختارهای مکمل نظام قضایی رسمی توسعه یافته اند این نهادها غالباً به اختلافات محلی و خرد با بهره گیری از شیوه های ساده، غیررسمی و مصالحه محور رسیدگی می کنند) (احمدی، ۱۳۹۸، ص در نظام ایران نیز، رویکرد مشابهی اتخاذ شده، به گونه ای که (۴۵) رسیدگی در دادگاه های صلح از تشریفات پیچیده آیین دادرسی مدنی فاصله گرفته و مبتنی بر سادگی، سرعت و مشارکت مردمی است. رویه دادرسی در این دادگاه ها عمدتاً بر مبنای اصول ساده سازی و تسهیل رسیدگی است. قضات این نهاد، در بسیاری موارد از میان چهره های معتمد و آشنا به عرف های محلی انتخاب می شوند که از اعتماد و

دادرسی در پرونده‌های خرد شده است. مطالعات میدانی نیز نشان می‌دهد که با کاهش حجم اختیارات شوراهای حل اختلاف و ارجاع مستقیم برخی دعاوی به دادگاه‌های صلح، زمان رسیدگی افزایش یافته، فشار کاری قضات بیشتر شده و نارضایتی عمومی نیز تا حدی گسترش یافته است (رضایی، ۱۴۰۰، ۹۳). (این در حالی است که در بسیاری از کشورها نهادهای غیررسمی حل اختلاف همچنان بخش مهمی از ساختار عدالت اجتماعی و مشارکت مردمی را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر، ابهام در تعیین مرز صلاحیت‌های بین دادگاه‌های صلح و سایر مراجع مانند دادگاه خانواده یا دادگاه کیفری، به‌ویژه در دعاوی خاص نظیر اعسار از هزینه دادرسی، باعث سردرگمی اصحاب دعوا و حتی گاهی صدور قرار عدم صلاحیت‌های متوالی شده است) (جعفری، ۱۴۰۲، ۵۶). (این موضوع خود موجب افزایش هزینه زمانی و مالی برای شهروندان شده و عملاً با هدف قانون‌گذار در ایجاد مسیرهای سریع و کم‌هزینه برای حل اختلاف، در تضاد قرار دارد. در نتیجه، هرچند هدف از انتقال صلاحیت‌ها، ارتقای نظم و انضباط قضایی بوده است، اما در غیاب زیرساخت‌های اداری، منابع، انسانی کافی، آموزش تخصصی و بازنگری دقیق در حدود صلاحیت‌ها این اقدام می‌تواند آثار معکوسی بر کارایی نظام قضایی داشته باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که

بازنگری در تقسیم صلاحیت‌ها میان دادگاه‌های صلح و سایر مراجع قضایی انجام شود؛

شوراهای حل اختلاف به‌عنوان نهاد مکمل حفظ شده و تقویت شوند؛ سازوکارهای دادرسی ساده، غیررسمی و مشارکت‌محور همچنان در قالب ساختارهای محلی تداوم یابد

بررسی صلاحیت‌های دادگاه صلح ۴.

(نوری، ۱۴۰۰، ۱۰۲). (با این حال، این نهادها با چالش‌هایی نیز روبه‌رو هستند. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کمبود منابع مالی، محدودیت نیروی انسانی متخصص، و نبود آموزش‌های هدفمند و کاربردی برای قضات و کارکنان این دادگاه‌ها اشاره کرد که گاه موجب تضعیف کیفیت آراء و کاهش اعتماد عمومی می‌شود) (رحمانی، ۱۳۹۶، ۷۸). (بر این اساس تقویت ساختار تشکیلاتی دادگاه‌های صلح، بازنگری در تعیین صلاحیت‌ها، افزایش آموزش‌های تخصصی برای قضات و تسهیل همکاری با نهادهای محلی از جمله راهکارهای مؤثر برای ارتقای جایگاه و کارکرد این نهاد در نظام قضایی کشور محسوب می‌شود

بررسی تأثیر انتقال صلاحیت از شوراهای حل اختلاف به دادگاه‌های صلح بر تراکم پرونده‌ها و کارایی نظام قضایی ایران

در سال‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین تحولات در ساختار دادرسی ایران انتقال تدریجی بخشی از صلاحیت‌های شوراهای حل اختلاف به دادگاه‌های صلح بوده است؛ تصمیمی که هدف آن، ایجاد یکپارچگی بیشتر در فرآیندهای دادرسی و افزایش ضمانت اجرای آراء صادره عنوان شده است. با این حال، این سیاست با پیامدهایی همراه بوده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، افزایش محسوس بار کاری دادگاه‌های صلح و بروز نوعی تراکم در رسیدگی‌ها بوده است (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ص ۱۳). شوراهای حل اختلاف در آغاز با هدف توسعه سازوکارهای (۱۳) میانجی‌گری و حل مسالمت‌آمیز اختلافات محلی ایجاد شدند و ساختاری نیمه‌رسمی داشتند. اما با گذشت زمان، هم صلاحیت‌های آن‌ها گسترش یافت و هم نقش آن‌ها در کاهش بار دادگاه‌های رسمی پررنگ‌تر شد (احمدی، ۱۳۹۸، ۵۲). (اکنون با واگذاری تدریجی برخی از این صلاحیت‌ها به دادگاه‌های صلح، که الزاماً از ساختار قضایی رسمی‌تری پیروی می‌کنند، این مزیت تا حدی تضعیف شده و موجب بروز اطاله

در صورتی که دعاوی مربوط به مهریه، جهیزیه یا نفقه کمتر از یک میلیارد ریال باشد و مشمول ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده نباشد، در صلاحیت دادگاه صلح قرار می‌گیرد. این امر باعث تسهیل در رسیدگی به اختلافات خانوادگی جزئی شده است (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ۱۸)

تخلیه عین مستأجر و تعدیل اجاره بها ۴-۴

این دادگاه به دعاوی مربوط به تخلیه ملک اجاره‌ای و نیز تعدیل اجاره بها به‌ویژه در شرایط تغییر تورم و ارزش اجاره‌ها، رسیدگی می‌کند. البته دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب و پیشه از حوزه صلاحیت آن خارج‌اند (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ص ۲۰)

اعسار از پرداخت محکوم به ۴-۵

اگر اصل دعوا در دادگاه صلح مطرح شده باشد، تقاضای اعسار از پرداخت نیز در همان مرجع قابل رسیدگی است. این پیوستگی صلاحیت موجب تسریع در فرآیند اجرای احکام می‌شود (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ص ۲۶)

امور حسبی: حصر وراثت، تحریر و مهر و موم ترکه ۴-۶

دادگاه صلح صلاحیت رسیدگی به امور غیرترافعی مانند صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن را داراست. این صلاحیت‌ها موجب تجمع امور ارثی در یک مرجع ساده و قابل دسترس شده‌اند (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ص ۲۷)

تأمین دلیل ۴-۷

هرگاه ضرورت حفظ دلایل برای دعوی احتمالی آینده وجود داشته باشد، دادگاه صلح می‌تواند دستور تأمین دلیل صادر کند. این نهاد، با نقش حمایتی خود از حقوق طرفین، یکی از کارآمدترین ابزارهای

با تصویب قانون جدید شوراهای حل اختلاف در سال ۱۴۰۲، ساختار رسیدگی به دعاوی کم‌اهمیت در نظام قضایی ایران دچار تحولی اساسی شد. بر اساس این قانون، با حذف اختیار صدور رأی از شوراها، نهادی مستقل به نام «دادگاه صلح» تأسیس شد که از سال ۱۴۰۳ آغاز به کار کرد. این دادگاه با هدف کاهش بار دادگاه‌های عمومی، تسریع در رسیدگی به پرونده‌های ساده و ایجاد مرجعی تخصصی برای حل و فصل دعاوی کوچک، بخشی از صلاحیت‌های حقوقی و کیفری را بر عهده گرفته است (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ۱۰)

رسیدگی به دعاوی مالی با نصاب معین ۴-۱

یکی از مهم‌ترین وظایف دادگاه صلح، رسیدگی به دعاوی مالی است که ارزش خواسته آن‌ها تا سقف یک میلیارد ریال باشد. این دعاوی می‌تواند شامل طلب، خسارت و سایر موضوعات مالی باشد که در چارچوب این نصاب قرار می‌گیرند (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ص ۱۴). (تعیین این سقف، به هدف تمرکز بر پرونده‌های سبک و کاهش زمان دادرسی انجام شده است)

دعاوی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق ۴-۲

دادگاه صلح به دعاوی مهم در زمینه املاک غیرمنقول نیز رسیدگی می‌کند، از جمله

تصرف عدوانی: بیرون کردن غیرقانونی متصرف سابق از ملک

مزاحمت: ایجاد مانع برای تصرف قانونی مالک یا متصرف

ممانعت از حق: جلوگیری از استفاده مشروع از حقوق ارتفاقی یا انتفاعی

این دعاوی از پرتکرارترین اختلافات ملکی هستند و رسیدگی سریع به آن‌ها از کارکردهای مهم دادگاه صلح است (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ۱۷)

دعاوی مربوط به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر ۴-۳

همکاری شهرداری صادر می‌شود) گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ۳۵)

اثبات رشد ۴-۱۳

درخواست اثبات رشد (به‌ویژه برای انجام امور مالی توسط افراد زیر سن، قانونی (نیز در صلاحیت این دادگاه قرار دارد. صدور حکم اثبات رشد، مقدمه‌ای برای استقلال مالی و حقوقی فرد است) گرامی و فرهمند (۴۵، ۱۴۰۲).

ویژگی‌ها و تحولات دادگاه‌های صلح در نظام قضائی ایران. ۵

دادگاه‌های صلح به‌عنوان نهادهای قضائی با مأموریت رسیدگی به دعاوی غیر پیچیده و کم‌اهمیت در نظام قضائی ایران شکل گرفته‌اند. هدف اصلی این دادگاه‌ها، کاهش بار کاری دادگاه‌های عمومی و تسهیل دسترسی مردم به عدالت است. با این حال، در طی زمان و به‌ویژه پس از تصویب قانون جدید شورای حل اختلاف در سال ۱۴۰۲، تغییرات چشمگیری در ساختار، صلاحیت‌ها و روش‌های دادرسی این دادگاه‌ها ایجاد شده است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

الف. تحول ساختاری دادگاه‌های صلح در نظام قضائی ایران

دادگاه‌های صلح در ابتدا با هدف تسریع در رسیدگی به دعاوی ساده و کاهش بار دادگاه‌های عمومی تأسیس شدند. این دادگاه‌ها در گذشته بیشتر در محدوده حل اختلافات مردمی و دعاوی ساده‌تر فعالیت می‌کردند. اما با تصویب قانون شورای حل اختلاف در سال ۱۴۰۲، دادگاه‌های صلح به‌طور رسمی به عنوان نهادهای قضائی مستقل با صلاحیت‌های خاص معرفی شدند. این تحولات موجب تقویت جایگاه این دادگاه‌ها در سیستم قضائی ایران شده است و به‌ویژه به‌عنوان ابزاری برای کاهش تراکم پرونده‌ها و تسریع در دادرسی‌ها شناخته می‌شوند (خانی و دهقاندار، ۱۴۰۳، ۱۸۵).

ب. صلاحیت‌های دادگاه‌های صلح

پیش‌دادرسی را در اختیار دارد) گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ص ۲۹.

درخواست صلح و سازش ۴-۸

طرفین اختلاف می‌توانند پیش از اقامه دعوا یا در جریان آن، از دادگاه صلح بخواهند زمینه صلح و سازش را فراهم آورد. این اختیار ریشه در اصل توسعه رویکرد ترمیمی در نظام دادرسی دارد) گرامی و فرهمند (ص ۳۰، ۱۴۰۲).

جرایم غیر عمدی ناشی از کار و تصادفات رانندگی ۴-۹

این دادگاه صلاحیت رسیدگی به جرایم غیر عمدی ناشی از بی‌احتیاطی در کار یا رانندگی را دارد، که به‌طور معمول با خسارات بدنی یا مالی همراه‌اند ولی فاقد قصد مجرمانه‌اند) گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ص ۳۲)

جرایم عمدی تعزیری درجه هفت و هشت ۴-۱۰

بر اساس قانون مجازات اسلامی، دادگاه صلح می‌تواند به جرایم عمدی خفیف مانند حبس تعزیری تا ۶ ماه یا جزای نقدی تا ۳ میلیون تومان رسیدگی کند. این تمرکز موجب تسریع دادرسی در جرایم سبک شده است) گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ۳۲)

دعای ثبت احوال ۴-۱۱

اصلاح و استرداد شناسنامه، تغییر یا تصحیح نام، و الزام به صدور شناسنامه از دعاوی قابل طرح در دادگاه صلح هستند. این مرجع، با توجه به ساده بودن موضوعات ثبتی، کارایی بالاتری نسبت به دادگاه‌های عمومی دارد) گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ص ۳۴)

الزام به اخذ پایان‌کار ساختمانی ۴-۱۲

در مواردی که مالک ساختمانی از اخذ پایان‌کار خودداری کند، ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه صلح درخواست الزام به اخذ آن را نماید. این حکم با

کارایی سیستم قضائی می شود) گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ۲۰. (به طور خاص، مسائل مالی جزئی، دعاوی تصرف عدوانی و دعاوی خانوادگی مانند نفقه و مهریه، که در گذشته ممکن بود روند طولانی تری را طی کنند، در دادگاه های صلح سریع تر و با هزینه کمتر رسیدگی می شوند.

ت. تحولات قضائی و قانونی در دادگاه های صلح

پس از تصویب قانون جدید شورای حل اختلاف در سال ۱۴۰۲، دادگاه های صلح با صلاحیت های گسترش یافته وارد عرصه قضائی شدند. این قانون موجب انتقال برخی از صلاحیت های رسیدگی به جرایم غیر عمدی از دادگاه های عمومی به دادگاه های صلح شد. این تغییرات، باعث تسریع در روند رسیدگی به پرونده های کیفری کوچک و ساده مانند تصادفات رانندگی و برخی جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ گردید (خانی و دهقاندار، ۱۴۰۳، ۱۸۵). (در این چارچوب، دادگاه های صلح نقش مهمی در سرعت بخشی به دادرسی ها و کاهش تراکم پرونده ها ایفا می کنند.

ث. نقش دادگاه های صلح در دسترسی عمومی به عدالت

یکی از ویژگی های مهم دادگاه های صلح، دسترسی پذیری آنها برای عموم مردم است. این دادگاه ها با ارائه خدمات قضائی ساده و سریع، به مردم این امکان را می دهند که بدون نیاز به پرداخت هزینه های سنگین و انتظار طولانی، به راحتی به حق خود دست یابند. این ویژگی به ویژه در مناطقی که دسترسی به دادگاه های عمومی دشوار است، بسیار مهم است. دادگاه های صلح می توانند به عنوان ابزاری برای گسترش عدالت اجتماعی عمل کرده و حقوق مردم را در سطح محلی تأمین کنند.

آموزش قضات دادگاه های صلح و چالش های پیش رو. ۶.

دادگاه های صلح مسئول رسیدگی به دعاوی کم اهمیت و موارد ساده ای هستند که نیازی به فرآیندهای پیچیده قضائی ندارند. برخی از مهم ترین صلاحیت های این دادگاه ها به شرح زیر است:

دعاوی مالی: دادگاه های صلح به دعاوی مالی تا سقف یک میلیارد ریال، رسیدگی می کنند. این دعاوی می توانند شامل مطالبات مالی، خسارت ها و سایر مسائل مالی باشند (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ۱۱۷).

دعاوی حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق: دادگاه های صلح به دعاوی مربوط به تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق که غالباً پیچیدگی حقوقی کمتری دارند، رسیدگی می کنند (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ۲۰).

دعاوی خانوادگی: دعاوی مربوط به نفقه، مهریه و جهیزیه تا سقف یک میلیارد ریال در این دادگاه ها رسیدگی می شوند (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ۱۸).

جرایم غیر عمدی: رسیدگی به جرایم غیر عمدی مانند تصادفات رانندگی و حوادث مشابه از جمله صلاحیت های این دادگاه ها است (خانی و دهقاندار، ۱۴۰۳، ۱۸۰).

این دادگاه ها همچنین به دعاوی مربوط به اعسار از پرداخت محکوم به حصر وراثت، تحریر ترکه، و برخی دیگر از مسائل حسبی رسیدگی می کنند.

پ. تأثیر دادگاه های صلح بر کاهش بار کاری دادگاه های عمومی

یکی از اصلی ترین اهداف دادگاه های صلح، کاهش حجم پرونده ها در دادگاه های عمومی و تسهیل دسترسی به عدالت است. این دادگاه ها با رسیدگی به دعاوی ساده و کم اهمیت، بار سنگینی که بر دوش دادگاه های عمومی قرار دارد را کاهش می دهند. این امر موجب افزایش سرعت رسیدگی به پرونده های پیچیده تر در دادگاه های عمومی و همچنین بهبود

به پرونده‌های کم‌اهمیت و ساده‌تر، می‌توانند به‌طور موثری زمان و هزینه‌های دادرسی را کاهش دهند. با این حال، با وجود این مزایا چالش‌های اجرایی متعدد پیش‌روی دادگاه‌های صلح وجود دارد که می‌تواند عملکرد آن‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. این چالش‌ها به مسائل مختلفی از جمله افزایش حجم پرونده‌ها، ابهام در صلاحیت‌ها، و نیاز به جذب قضات متخصص مرتبط است. در این بخش، به بررسی این چالش‌ها و ارائه راهکارهای ممکن برای بهبود عملکرد دادگاه‌های صلح پرداخته می‌شود.

الف. افزایش حجم پرونده‌ها و تاثیر آن بر کارایی دادگاه‌های صلح
یکی از مشکلات اساسی دادگاه‌های صلح، افزایش حجم پرونده‌ها است. پس از انتقال صلاحیت‌های شورای حل اختلاف به دادگاه‌های صلح، تعداد پرونده‌هایی که به این دادگاه‌ها ارجاع می‌شود به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. این حجم بالای پرونده‌ها می‌تواند به افت کیفیت رسیدگی‌ها و افزایش زمان دادرسی منجر شود. در نتیجه، دادگاه‌ها ممکن است نتوانند به تمام پرونده‌ها رسیدگی کرده و در نتیجه زمان‌های دادرسی طولانی‌تر و افزایش حجم کاری قضات را تجربه کنند (گرامی و فرمند، ۱۴۰۲، ۱۳). (راهکار برای مقابله با این چالش، تقسیم پرونده‌ها به دسته‌های مختلف و ایجاد تخصص‌های مختلف در دادگاه‌های صلح است. به عنوان مثال، ایجاد شعب تخصصی برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی، جرایم غیرعمدی و دعاوی ملکی می‌تواند به کاهش بار کاری دادگاه‌ها کمک کند و فرآیند دادرسی را تسریع بخشد. علاوه بر این می‌توان از دستگاه‌های مشاوره‌ای و مراجع غیرقضائی برای حل برخی از پرونده‌ها بدون نیاز به حضور قضات بهره برد (خانی و دهقاندار، ۱۴۰۳، ۱۸۱).

دادگاه‌های صلح به عنوان نهادهای جدید در نظام قضایی ایران، با هدف تسهیل دسترسی به عدالت و کاهش حجم پرونده‌های دادگاه‌های عمومی ایجاد شده‌اند. این دادگاه‌ها با تمرکز بر دعاوی کم‌اهمیت و رسیدگی به پرونده‌هایی با پیچیدگی کمتر، به افزایش سرعت در فرآیند دادرسی کمک می‌کنند. آموزش قضات این دادگاه‌ها و افزایش آگاهی عمومی در خصوص وظایف و اهمیت این نهادها از جمله عواملی هستند که می‌تواند عملکرد دادگاه‌های صلح را بهبود بخشد. با سرمایه‌گذاری در این نهادها، نه تنها بار کاری سیستم قضایی رسمی کاهش می‌یابد، بلکه دسترسی به عدالت برای عموم مردم نیز افزایش خواهد یافت (گرامی و فرمند، ۱۴۰۲، ۱۳). (آموزش قضات در حوزه‌های مختلف حقوقی کیفری و خانوادگی و همچنین توجه به تحولات روز در آیین دادرسی می‌تواند قضات دادگاه صلح را برای مواجهه با پرونده‌های مختلف آماده کند. چنین آموزش‌هایی موجب می‌شود که تصمیمات قضات با دقت و آگاهی بیشتری گرفته شود و در نهایت، اعتماد عمومی به این نهاد قضایی تقویت گردد. علاوه بر این، آگاهی عمومی از نحوه کارکرد دادگاه‌های صلح، می‌تواند به کاهش شکایات و اعتراضات مردم نسبت به این نهادها کمک کند. هرچقدر مردم بیشتر از عملکرد دادگاه‌های صلح آگاه باشند احتمال استفاده از این نهاد برای حل اختلافات روزمره و کم‌اهمیت، افزایش می‌یابد و بار محاکم عمومی کاهش می‌یابد (خانی و دهقاندار، ص ۱۷۳، ۱۴۰۳).

تحلیل چالش‌های اجرایی دادگاه‌های صلح و راهکارهای بهبود آن‌ها
عملکرد آن‌ها
دادگاه‌های صلح، به عنوان یکی از نهادهای نوین قضایی در ایران، با هدف کاهش بار دادگاه‌های عمومی و تسهیل دسترسی به عدالت، در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این دادگاه‌ها به دلیل رسیدگی

رسیدگی به پرونده‌های پیچیده را در دادگاه‌های صلح ایجاد کرد.
(جعفری، ۱۴۰۲، ۵۶)

چالش‌های اجرایی دادگاه‌های صلح و نیاز به اصلاحات در نظام قضائی ۷. دادگاه‌های صلح به‌عنوان نهادهای نوظهور در نظام قضائی ایران، اهدافی چون کاهش بار کاری دادگاه‌های عمومی، تسهیل فرآیند دادرسی، و دسترسی سریع‌تر به عدالت را دنبال می‌کنند. این دادگاه‌ها به دعاوی کم‌اهمیت و پیچیدگی کمتر رسیدگی می‌کنند و می‌توانند به تسهیل حل اختلافات روزمره کمک کنند. با این حال، باوجود این مزایا، چالش‌های اجرایی مختلفی نیز پیش روی این نهادهای قضائی قرار دارد که می‌تواند مانع از کارایی مطلوب آن‌ها شود. این چالش‌ها از جمله تداخل صلاحیت‌ها، نیاز به قضات متخصص، افزایش حجم پرونده‌ها و محدودیت‌های ساختاری است. در این بخش، به بررسی این چالش‌ها و راهکارهای مؤثر برای بهبود عملکرد دادگاه‌های صلح پرداخته می‌شود.

الف افزایش حجم پرونده‌ها و کمبود منابع

یکی از مشکلات اساسی دادگاه‌های صلح، افزایش حجم پرونده‌ها پس از انتقال صلاحیت‌های شوراهای حل اختلاف به این دادگاه‌ها است. با توجه به تنوع صلاحیت‌های دادگاه صلح، تعداد پرونده‌هایی که به این دادگاه‌ها ارجاع می‌شود افزایش قابل توجهی یافته است. این افزایش در حجم پرونده‌ها، علاوه بر فشار بر قضات، به طولانی شدن زمان دادرسی و کاهش کیفیت رسیدگی‌ها منجر می‌شود (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ص ۱۴). برای مقابله با این چالش، پیشنهاد می‌شود که به‌جای افزایش حجم پرونده‌ها در هر شعبه، دادگاه‌های صلح جدید با تخصص‌های متفاوت مانند دعاوی مالی، خانوادگی، و کیفری ایجاد شوند. این اقدام می‌تواند موجب تخصصی‌تر شدن دادرسی‌ها و به تبع آن، افزایش سرعت رسیدگی به دعاوی و کاهش بار کاری قضات گردد. استفاده از

ب. ابهام در تعیین صلاحیت و نحوه رسیدگی به پرونده‌ها یکی دیگر از چالش‌های مهم دادگاه‌های صلح، ابهام در تعیین صلاحیت این دادگاه‌ها است. با توجه به گستردگی صلاحیت‌ها و نوع دعاوی که به این دادگاه‌ها ارجاع می‌شود، گاهی اوقات تداخل صلاحیت‌ها بین دادگاه صلح و دیگر مراجع قضائی ایجاد می‌شود. به‌ویژه در دعاوی پیچیده‌تر که نیاز به رسیدگی دقیق‌تری دارند، این تداخل می‌تواند منجر به سردرگمی در ارجاع پرونده‌ها و اختلال در روند دادرسی شود (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ۱۴). (برای رفع این مشکل، توضیح و تفکیک دقیق صلاحیت‌ها در قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی ضروری است. همچنین می‌توان با ایجاد رهنمودهای عملیاتی برای قضات، آن‌ها را در تشخیص صلاحیت صحیح در پرونده‌ها یاری داد. این امر می‌تواند از تداخل صلاحیت‌ها جلوگیری کرده و موجب شفافیت بیشتر در روند دادرسی شود) (خانی و دهقاندار، ۱۴۰۳، ۱۸۰)

پ. نیاز به جذب قضات متخصص برای دادگاه‌های صلح

دادگاه‌های صلح نیاز به قضاتی با تخصص‌های ویژه دارند تا بتوانند به‌طور مؤثر به پرونده‌ها رسیدگی کنند. این نیاز به ویژه در دعاوی خاصی مانند تصادفات رانندگی و جرایم غیرعمدی که پیچیدگی‌های فنی و تخصصی دارند، بیشتر احساس می‌شود. در حال حاضر، بیشتر قضات دادگاه‌های صلح آموزش‌های عمومی و پایه‌ای دارند و برای رسیدگی به مسائل تخصصی‌تر به آموزش‌های اضافی نیاز دارند (خانی و دهقاندار، ۱۴۰۳، ص ۱۸۰). (برای رفع این چالش، باید برنامه‌های آموزشی تخصصی برای قضات دادگاه‌های صلح در نظر گرفته شود. این برنامه‌ها باید شامل دوره‌های آموزشی در زمینه‌های مختلف مانند حقوق خانواده، دادرسی کیفری غیرعمدی و آیین دادرسی مدنی باشد. همچنین، با جذب قضات با تخصص‌های مختلف، می‌توان توانمندی‌های لازم برای

برای قضات این دادگاه‌ها احساس می‌شود (خانی و دهقاندار، ۱۴۰۳، ص ۱۸۰). برنامه‌های آموزشی برای قضات باید شامل دوره‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف نظیر حقوق خانواده، دادرسی جرایم غیرعمدی، آیین دادرسی مدنی و کیفری باشد. علاوه بر این، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و شبیه‌سازی می‌تواند به قضات کمک کند تا با شرایط واقعی پرونده‌ها روبه‌رو شوند و تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. همچنین، ایجاد شبکه‌های آموزشی آنلاین و دوره‌های بلندمدت برای تقویت توانایی‌های قضات دادگاه‌های صلح می‌تواند یکی از راهکارهای مؤثر در بهبود کیفیت دادرسی‌ها باشد (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ص ۱۴).

چالش‌ها و راهکارهای ارتقای کارایی دادگاه‌های صلح در نظام قضائی ۸. ایران

دادگاه‌های صلح در نظام قضائی ایران، به‌عنوان یکی از نهادهای نوظهور نقش مؤثری در کاهش حجم پرونده‌های دادگاه‌های عمومی و تسریع فرآیند دادرسی ایفا می‌کنند. با این حال، علی‌رغم مزایای متعدد این نهاد چالش‌های اجرایی مختلفی نیز در مسیر عملکرد دادگاه‌های صلح قرار دارد که می‌تواند بر کارایی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد. این چالش‌ها از افزایش حجم پرونده‌ها، ابهام در صلاحیت‌ها، نیاز به قضات متخصص و کمبود منابع آموزشی برای قضات ناشی می‌شود. در این بخش، به تحلیل این چالش‌ها پرداخته و راهکارهای عملی برای بهبود عملکرد این دادگاه‌ها ارائه می‌شود.

الف. افزایش حجم پرونده‌ها و فشار بر منابع دادگاه‌های صلح
پس از تصویب قانون جدید شورای حل اختلاف در سال ۱۴۰۲، تعداد پرونده‌هایی که به دادگاه‌های صلح ارجاع می‌شود به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. این افزایش می‌تواند منجر به کاهش کیفیت

تکنولوژی‌های نوین مانند سیستم‌های مدیریت پرونده‌ها و دادرسی الکترونیکی نیز می‌تواند به کاهش بار کاری دادگاه‌ها کمک کند (خانی و دهقاندار، ۱۴۰۳، ص ۱۸۰).

ب. تداخل صلاحیت‌ها و مشکلات قانونی

چالش دیگری که دادگاه‌های صلح با آن روبه‌رو هستند، تداخل صلاحیت‌ها بین این دادگاه‌ها و سایر مراجع قضائی است. در بسیاری از موارد، ابهام در قوانین و سوءتفاهم‌ها در تشخیص صلاحیت می‌تواند موجب ارجاع نادرست پرونده‌ها و ایجاد پیچیدگی‌های اجرایی شود. به‌ویژه در دعاوی پیچیده‌تر مانند جرایم عمدی و دعاوی خانوادگی تعیین صلاحیت دقیق دادگاه صلح می‌تواند با دشواری‌هایی همراه باشد، که در نهایت بر روند دادرسی تأثیر منفی می‌گذارد (گرامی و فرهمند، ص ۱۳). (برای حل این مشکل، نیاز به وضوح قانونی بیشتر در ۱۴۰۲، تعیین صلاحیت دادگاه‌های صلح و اصلاح آیین‌نامه‌های اجرایی وجود دارد. باید به‌طور دقیق مشخص شود که کدام دعوی به این دادگاه‌ها ارجاع شود و کدام دعوی نیاز به رسیدگی در دادگاه‌های عمومی دارند. همچنین، آموزش‌های تخصصی برای قضات دادگاه‌های صلح در زمینه‌های مختلف حقوقی و کیفری می‌تواند موجب افزایش دقت آن‌ها در شناسایی صلاحیت صحیح در هر پرونده شود) (خانی و دهقاندار، ص ۱۸۱، ۱۴۰۳).

پ. نیاز به قضات متخصص و آموزش‌های مستمر

دادگاه‌های صلح به قضات با تخصص‌های مختلف نیاز دارند تا بتوانند به‌طور مؤثر و دقیق به دعاوی رسیدگی کنند. دعاوی خانوادگی، جرایم غیرعمدی، و دعاوی مالی خاص نیاز به تخصص‌های ویژه دارند. از آنجا که بیشتر قضات دادگاه‌های صلح در حال حاضر دارای آموزش‌های عمومی هستند، نیاز به برنامه‌های آموزشی ویژه و دوره‌های تخصصی

، جلوگیری کند و کمک کند تا پرونده‌ها به درستی ارجاع شوند). سعیدی (۱۴۰۱، ۱۱۹)

پ. نیاز به قضات متخصص و آموزش‌های تخصصی یکی از مشکلات اساسی دیگر در دادگاه‌های صلح، نیاز به قضات متخصص برای رسیدگی به دعاوی خاص است. بسیاری از پرونده‌هایی که به دادگاه‌های صلح ارجاع می‌شوند، نیازمند تخصص‌های خاص در حوزه‌های حقوق خانواده، دعاوی ملکی، و جرایم غیرعمدی هستند. از آنجا که اکثر قضات این دادگاه‌ها آموزش‌های عمومی دارند، آموزش‌های تخصصی و دوره‌های مستمر آموزشی برای قضات ضروری به نظر می‌رسد (محمدی و احمدی، ۱۴۰۳، ص ۳۰). (برای رفع این نیاز، باید دوره‌های تخصصی برای قضات دادگاه‌های صلح طراحی شود. این دوره‌ها باید شامل موضوعات مختلف مانند حقوق مدنی، حقوق خانواده آیین دادرسی کیفری و دعاوی غیرعمدی باشد. علاوه بر این، باید برنامه‌های آموزشی عملی مانند شبیه‌سازی دادرسی و آزمون‌های دوره‌ای برگزار شود تا قضات با پیچیدگی‌های واقعی پرونده‌ها آشنا شوند و توانمندی‌های خود را تقویت کنند (بروجردی و همکاران، ۱۴۰۲، ۲۸). استراتژی‌های نوین برای ارتقاء کارایی دادگاه‌های صلح و تسهیل ۹. دادرسی در ایران

دادگاه‌های صلح به‌عنوان نهادهایی قضائی برای رسیدگی به دعاوی کم‌اهمیت در سیستم قضائی ایران نقش مهمی ایفا می‌کنند. این دادگاه‌ها به منظور کاهش بار کاری دادگاه‌های عمومی و تسریع در دسترسی به عدالت برای مردم ایجاد شدند. با وجود اهمیت این نهادها، استفاده از استراتژی‌های نوین برای بهبود عملکرد دادگاه‌های صلح می‌تواند در افزایش کارایی و کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها مؤثر باشد. الف. استفاده از فناوری‌های نوین در دادرسی

، رسیدگی‌ها و طولانی شدن زمان دادرسی شود. حجم زیاد پرونده‌ها علاوه بر فشار بر قضات، نیازمند منابع اضافی مانند کارمندان اداری و سیستم‌های پشتیبانی است. این وضعیت می‌تواند بر کارایی کلی سیستم قضائی تأثیر بگذارد (گرامی و فرهمند، ۱۴۰۲، ص ۱۵). (برای مقابله با این چالش، پیشنهاد می‌شود که دادگاه‌های صلح تخصصی برای رسیدگی به دعاوی خاص ایجاد شود. به‌طور خاص، می‌توان شعب تخصصی برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی، جرایم غیرعمدی، و دعاوی مالی ایجاد کرد. همچنین، استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای مدیریت پرونده‌ها و دادرسی آنلاین می‌تواند به کاهش بار کاری دادگاه‌ها کمک کند. طبق تحقیقاتی که محمدی و احمدی (۱۴۰۳) انجام داده‌اند، دادرسی الکترونیکی می‌تواند به‌طور قابل توجهی زمان دادرسی را کاهش دهد و هزینه‌های سیستم قضائی را کاهش دهد (محمدی و احمدی، ۱۴۰۳، ۲۵).

ب. ابهام در تعیین صلاحیت و تداخل با سایر مراجع قضائی یکی از چالش‌های بزرگ دادگاه‌های صلح، ابهام در تعیین صلاحیت و تداخل با دیگر مراجع قضائی است. بسیاری از پرونده‌ها به دلیل نبود قانون روشن در زمینه صلاحیت‌های دادگاه‌های صلح، به‌طور نادرست به این دادگاه‌ها ارجاع می‌شوند. این موضوع باعث سردرگمی در روند دادرسی و افزایش فشار بر قضات می‌شود. به‌ویژه در دعاوی پیچیده‌تر مانند جرایم عمدی یا دعاوی ملکی، ممکن است دادگاه صلح صلاحیت رسیدگی نداشته باشد (خانی و دهقاندار، ۱۴۰۳، ۱۸۱). (برای رفع این مشکل، وضوح قانونی در تعیین صلاحیت‌ها و اصلاح آیین‌نامه‌های اجرایی ضروری است. طبق مطالعه‌ای که بروجردی و همکاران (۱۴۰۲) در زمینه صلاحیت دادگاه‌های صلح انجام داده‌اند، استفاده از رهنمودهای اجرایی و تعریف دقیق صلاحیت‌ها می‌تواند از تداخل صلاحیت‌ها

خاص

یکی دیگر از استراتژی‌های مؤثر، تخصصی کردن شعب دادگاه‌های صلح برای رسیدگی به دسته‌های خاص از دعاوی است. به‌طور خاص، می‌توان شعب تخصصی برای دعاوی مالی، خانوادگی، تصادفات رانندگی و جرایم غیرعمدی در دادگاه‌های صلح ایجاد کرد. این تخصصی کردن به قضات این امکان را می‌دهد که با توجه به زمینه خاص دعاوی، تصمیمات دقیق‌تر و سریع‌تری بگیرند. تحقیقات نشان می‌دهد که تخصصی کردن دادگاه‌ها در سایر سیستم‌های قضائی دنیا موجب کاهش مدت زمان رسیدگی به پرونده‌ها و افزایش دقت در تصمیم‌گیری‌ها شده است (گرامی و فرهنگ، ۱۴۰۲، ۱۷). (این استراتژی می‌تواند در ایران نیز به کاهش حجم پرونده‌ها و تسهیل فرآیند دادرسی کمک کند.

ت. تقویت آموزش قضات و منابع انسانی دادگاه‌های صلح

برای اینکه دادگاه‌های صلح بتوانند به‌طور مؤثر عمل کنند، ضروری است که قضات این دادگاه‌ها آموزش‌های تخصصی و مداوم دریافت کنند. با توجه به تنوع دعاوی که به این دادگاه‌ها ارجاع می‌شود، قضات نیاز به دوره‌های آموزشی تخصصی در زمینه‌های مختلف حقوقی و کیفری دارند. دوره‌های آموزشی می‌تواند شامل آموزش در خصوص روش‌های نوین دادرسی، مهارت‌های میانجی‌گری، و مدیریت پرونده‌ها باشد. افزایش سطح توانمندی‌های قضائی و پشتیبانی مناسب از قضات با آموزش مداوم می‌تواند به ارتقاء کیفیت دادرسی‌ها و افزایش کارایی دادگاه‌های صلح کمک کند. این روند باعث می‌شود قضات با اطلاعات به‌روز و آگاهی بیشتر از تکنیک‌های جدید دادرسی به پرونده‌ها رسیدگی کنند (خانی و دهقاندار، ۱۴۰۳، ۱۸۰).

ث. به‌کارگیری روش‌های حل و فصل آنلاین دعاوی

با توجه به رشد دادرسی آنلاین در سطح جهانی، پیاده‌سازی این روش

یکی از اصلی‌ترین راهکارهای نوآورانه برای بهبود عملکرد دادگاه‌های صلح، استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی پیشرفته مانند سیستم‌های مدیریت پرونده دیجیتال و هوش مصنوعی است. با توسعه این فناوری‌ها، داده‌های قضائی به‌صورت الکترونیکی جمع‌آوری شده و مدیریت پرونده‌ها به‌طور کارآمدتری انجام می‌شود. استفاده از پلتفرم‌های آنلاین دادرسی و نرم‌افزارهای تحلیل داده‌های حقوقی می‌تواند به تسهیل روند دادرسی‌ها و کاهش زمان رسیدگی کمک کند (محمدی و احمدی، ۱۴۰۳، ۲۵). این سیستم‌ها همچنین امکان ارتباط مؤثرتر با مراجعین، تسهیل در ارسال و دریافت اسناد قضائی، و شفافیت بیشتر در پیگیری وضعیت پرونده‌ها را فراهم می‌آورد.

ب. تقویت فرهنگ میانجی‌گری و حل اختلافات از طریق روش‌های غیررسمی

در بسیاری از کشورهای پیشرفته، به‌جای ارجاع تمام پرونده‌ها به دادگاه‌ها، از میانجی‌گری و روش‌های حل اختلاف غیررسمی استفاده می‌شود. این روش‌ها به‌ویژه در دعاوی خانوادگی، مالی و حتی برخی از پرونده‌های کیفری مؤثر واقع می‌شوند. از این رو، یکی از مهم‌ترین راهبردهای نوآورانه برای دادگاه‌های صلح در ایران، تقویت فرهنگ میانجی‌گری است. با ایجاد مراکز میانجی‌گری و تشویق طرفین دعوی به مذاکره و توافق پیش از رسیدگی قضائی، می‌توان بسیاری از پرونده‌ها را بدون نیاز به دادرسی طولانی‌مدت حل و فصل کرد. مطالعات نشان داده‌اند که میانجی‌گری موجب کاهش هزینه‌ها، افزایش رضایت طرفین، و سرعت بخشی به روند دادرسی می‌شود (حسینی، ۱۴۰۱، ۸۹). بنابراین دادگاه‌های صلح باید به‌عنوان نهادهایی برای حل و فصل سریع اختلافات، به روش‌های غیررسمی توجه بیشتری داشته باشند.

پ. تخصصی کردن شعب دادگاه‌های صلح برای رسیدگی به دعاوی

دادگاه‌های صلح به عنوان نهادهای قضائی با صلاحیت‌های محدود و مشخص، در جهت تسهیل فرآیند دادرسی و کاهش بار کاری دادگاه‌های عمومی، نقشی حیاتی در نظام قضائی ایران ایفا می‌کنند. با تمرکز بر دعاوی ساده، غیر پیچیده و کم‌اهمیت، این دادگاه‌ها توانسته‌اند در راستای افزایش دسترسی به عدالت و کاهش تراکم پرونده‌ها مؤثر واقع شوند. پس از تصویب قانون جدید شورای حل اختلاف در سال ۱۴۰۲ و انتقال بسیاری از صلاحیت‌ها به دادگاه‌های صلح، این نهاد به یک مرجع قضائی مستقل و تخصصی تبدیل شده که به طیف وسیعی از دعاوی، از جمله دعاوی مالی، خانوادگی، حقوقی و حتی جرایم غیرعمدی رسیدگی می‌کند. اصلاحات قانونی اخیر در سیستم قضائی ایران، به ویژه در حوزه دادگاه‌های صلح، تحولات مثبتی به دنبال داشته است. این اصلاحات سبب شده که دادگاه‌های صلح نه تنها به مرجعی برای رسیدگی سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر به دعاوی تبدیل شوند، بلکه فرصتی برای اعمال عدالت ترمیمی و حل اختلافات از طریق سازش به مردم فراهم کنند. این دادگاه‌ها با سرعت بالاتر و به شیوه‌ای انعطاف‌پذیرتر به دعاوی رسیدگی می‌کنند و این ویژگی باعث شده تا تسهیل در دسترسی به عدالت و کاهش هزینه‌های دادرسی برای مردم فراهم شود. با این حال، در کنار مزایای قابل توجه، دادگاه‌های صلح با چالش‌هایی روبرو هستند که باید مورد توجه قرار گیرد. افزایش حجم پرونده‌ها و انتقال صلاحیت‌های گسترده‌تر از دیگر نهادهای قضائی به دادگاه‌های صلح ممکن است فشار مضاعفی بر سیستم اجرائی این دادگاه‌ها وارد آورد. علاوه بر این، ابهام در صلاحیت‌ها و تداخل مسئولیت‌ها با دادگاه‌های عمومی، ممکن است موجب دشواری‌هایی در روند دادرسی و اجرای دقیق قوانین گردد. در نتیجه، با وجود اینکه دادگاه‌های صلح به‌عنوان یک نهاد قضائی کارآمد و موثر شناخته می‌شوند، اصلاحات مستمر و پیشرفت در فرآیندهای

در دادگاه‌های صلح می‌تواند به کاهش حجم کار و تسهیل دسترسی به عدالت کمک کند. سیستم‌های آنلاین می‌توانند به پرسش‌ها و درخواست‌های حقوقی پاسخ دهند، پرونده‌های قضائی را ثبت کنند و وضعیت پرونده‌ها را در اختیار مراجعین قرار دهند. این روش نه تنها موجب تسهیل فرآیند دادرسی، بلکه به کاهش نیاز به حضور فیزیکی در دادگاه نیز کمک می‌کند، که می‌تواند هزینه‌ها و زمان انتظار را کاهش دهد. (محمدی و احمدی، ۱۴۰۳، ۳۰)

قرار گیرد. در نهایت، دادگاه‌های صلح با ظرفیت‌های موجود، می‌توانند به ابزاری مؤثر برای تسهیل فرآیند دادرسی و افزایش رضایت عمومی از سیستم قضائی تبدیل شوند، به شرط آنکه در ساختار و عملکرد این نهاد به‌طور مداوم بهبود و توجه‌های لازم صورت گیرد.

دادرسی در این دادگاه‌ها همچنان ضروری است. لازم است که در کنار گسترش صلاحیت‌های دادگاه‌های صلح، آموزش قضات و افزایش آگاهی عمومی درباره نقش و کارکرد این نهادها تقویت شود. همچنین برای جلوگیری از فشار زیاد بر دادگاه‌های صلح، باید تخصصی‌تر شدن شعب و ایجاد دادگاه‌های صلح مستقل در مناطق مختلف کشور مدنظر

رحمانی، احمد). ۱۳۹۶. ("کمبود منابع در دادگاه‌های صلح". مجله مدیریت قضایی، شماره ۷۸، ص ۷۵-۸۰.

رضایی، علی). ۱۴۰۰. ("چالش‌های دادگاه‌های صلح در ایران". فصلنامه مطالعات حقوقی، شماره ۱۲، ص ۱۰-۱۵.

سعیدی، علی). ۱۴۰۱. ("نقش دادگاه‌های صلح در کاهش تنش‌های اجتماعی". مجله مطالعات اجتماعی، شماره ۱۲۰، ص ۱۱۵-۱۲۵.

"کریمی، رضا). ۱۳۹۷. ("مزایای دادگاه‌های صلح در دسترسی به عدالت". مجله حقوق عمومی، شماره ۳۴، ص ۳۰-۳۵.

گرامی، م. و فرهمند، س). ۱۴۰۲. (تحولات ساختاری دادگاه‌های صلح و راهکارهای نوآورانه برای بهبود عملکرد آنها. تهران: انتشارات قضائی ایران محمدی، حسین). ۱۳۹۹. ("رویه دادرسی در دادگاه‌های صلح". مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۷، ص ۶۵-۷۰.

محمدی، ر. و احمدی، م). ۱۴۰۳. (نقش فناوری در بهبود فرآیند دادرسی دادگاه‌های صلح. تهران: دانشگاه تهران).

نوری، محمد). ۱۴۰۰. ("ضمانت اجرایی تصمیمات دادگاه‌های صلح". مجله حقوق تطبیقی، شماره ۱۰۲، ص ۱۰۰-۱۰۵.

منابع

احمدی، س). ۱۳۹۸. (تحول در صلاحیت شوراهای حل اختلاف و تأثیر آن بر ساختار قضایی. انتشارات میزان. ص ۴۵ و ۵۲.

احمدی، محمد). ۱۳۹۸. ("دادگاه‌های صلح و نقش آن‌ها در کاهش بار کاری سیستم قضایی". مجله حقوقی، شماره ۴۵، ص ۴۵-۵۰.

جعفری، م). ۱۴۰۲. (چالش‌های حقوقی نهادهای قضایی ساده‌سازی شده در ایران. پژوهشنامه حقوق قضایی، ۲(۵)، ۴۵-۶۰.

"جعفری، مریم). ۱۴۰۲. ("کاهش هزینه‌های دادرسی در دادگاه‌های صلح". مجله اقتصاد حقوق، شماره ۵۶، ص ۵۵-۶۰.

"حسینی، سید محمود). ۱۴۰۱. ("مشارکت جامعه محلی در دادگاه‌های صلح". مجله جامعه‌شناسی حقوق، شماره ۸۹، ص ۸۵-۹۰.

خانی، ع. و دهقاندار، م). ۱۴۰۳. (بررسی چالش‌ها و فرصت‌های دادگاه‌های صلح در دادرسی‌های کیفری و مدنی. تهران: نشر قضائی).

خانی، ع. و دهقاندار، م). ۱۴۰۳. (چالش‌ها و فرصت‌ها در دادرسی‌های دادگاه‌های صلح. تهران: نشر قانونی).